



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

:: جزء سوم ::

جزء سوم قرآن کریم که حدود ۱۲۵ آیه نورانی را دربرگرفته است از آیه ۲۵۳ سوره بقره آغاز و تا پایان این سوره و بعد، از آیه اول تا آیه ۹۲ سوره مبارکه آل عمران ادامه دارد.

محتوای این آیات را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول: آیات سوره بقره با اشاره به اصول اقتصادی حاکم بر جامعه اسلامی

بخش دوم: آیات سوره آل عمران با مضمون ساختن و بیمه کردن جامعه در برابر توطئه فرهنگی

دشمنان

بخش اول: آیات سوره بقره با اشاره به اصول اقتصادی حاکم بر جامعه

اسلامی

خداوند متعال در آیات باقیمانده از سوره بقره به سه موضوع از اصول مهم اقتصادی اشاره می‌کند.

الف) اولین موضوع، انفاق است که موجب ریشه‌کن شدن فقر از جامعه اسلامی می‌شود.

ب) دومین موضوع، معضل ربا است که باعث انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای و در نتیجه

زیاد شدن فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود.

ج) سومین موضوع، مسئله امنیت اقتصادی و رعایت مواردی است که باید در بخش ثبت و ضبط

معاملات مورد توجه قرار گیرد.

موضوع اول: فراخوان به انفاق

قرآن کریم در این بخش، فراخوان به انفاق را از آیه ۲۵۴ آغاز می‌کند با این جمله که:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ

وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن، نه خرید و فروش است [تا بتوانید سعادت و نجات از کيفر را برای خود خریداری کنید] و نه دوستی [و رفاقت‌های مادی سودی دارد] و نه شفاعت (پادرمیانی رایج بین خودتان) و کافران، ستمگران حقیقی‌اند [که هم به خودشان ستم می‌کنند و هم به دیگران].

سپس برای اینکه انسان‌ها را آماده انفاق کند، فضای توحیدی را بر این آیات حاکم کرده، آیه ۲۵۵ که همان «آیه الكرسي» است را بیان می‌کند. با این آیه، توحید الهی را با صدایی بلند به گوش انسان‌ها می‌رساند و قدرت خدا را بر بازگرداندن انسان‌ها در آیات بعد مطرح می‌کند. از آنجا که قرآن از عترت و عترت از قرآن جدا نیست پیامی که این آیات درصدد بیان آن بودند را می‌توان در این فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام خلاصه‌وار مشاهده کرد که فرمود:

«مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ»^۱

هر کس به رستاخیز و آخرت یقین داشته باشد در انفاق کردن کوتاهی نمی‌کند. خداوند والا با آیه الكرسي و آیات بعد از آن، توان خود بر زنده کردن مردگان و بازگشت انسان‌ها به زندگی دوباره برای حسابرسی در قیامت را بازگو می‌کند.

ارزش و اهمیت «آیه الكرسي» در روایات

در مورد اهمیت و ارزش «آیه الكرسي»، روایات فراوانی وجود دارد. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: اگر می‌دانستید که آیه الكرسي چیست این آیه را رها نمی‌کردید. سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود:

«أَعْطَيْتُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ كَنْزٍ تَحْتَ الْعَرْشِ وَلَمْ يُؤْتَهَا نَبِيٌّ كَانَ قَبْلِي. قَالَ عَلِيُّ علیه السلام:

فَمَا بَثُّ لَيْلَةٍ قَطُّ مُنْذُ سَمِعْتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّى أَقْرَأَهَا»^۲

آیه الكرسي از گنجینه‌ای در زیر عرش به من عطا شده است و قبل از من به هیچ پیغمبری چنین عطایی نشده است.

سپس حضرت امیر علیه السلام فرمود:

از زمانی که این سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم هیچ شبی را بدون خواندن آیه الكرسي

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۴.

۲. أمالی شیخ طوسی، ص ۵۰۹؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۶۴.

به صبح نرساندم.

ارزش انفاق در ماه مبارک رمضان

خداوند متعال در آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ درباره انفاق سخن به میان آورده است. انفاق در ماه مبارک رمضان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از جلوه‌های مهم انفاق در این ماه، سفره‌های افطاری است که در خانه‌های مؤمنین گسترده می‌شود. نبی مکرم اسلام ﷺ در حدیثی گهربار فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِثْقٌ نَسَمَةً وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ صَ اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشَرْيَةِ مِنْ مَاءٍ»^۱

ای مردم! هر کس از شما که در این ماه، یک روزه‌دار را افطار دهد نزد خدا ثواب آزاد کردن بنده‌ای را خواهد داشت ضمن آنکه گناهان گذشته‌اش نیز آمرزیده می‌شود. عرض شد: یا رسول الله! همگان توانایی انجام این کار را ندارند. فرمود: خود را از آتش دوزخ حفظ کنید گرچه با نصف خرمایی یا جرعه‌ای آب.

آموزه‌هایی از آیات انفاق

۱- انفاق، روح انسان را وسعت می‌بخشد.

این مطلب در آیه ۲۶۱ آمده است:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه را برویاند که در هر خوشه، یک صد دانه باشد و خداوند، آن را برای هر کس که بخواهد [و شایستگی داشته باشد]، دو یا چند برابر می‌کند و خدا [از نظر قدرت و رحمت]، وسیع و [به همه چیز] داناست.

کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای هستند که وقتی در درون خاک قرار می‌گیرد به صورت خوشه‌ای رشد می‌کند و از این خوشه، گندم‌های فراوانی پدید می‌آید و یک دانه به ۷۰۰ دانه تبدیل می‌شود.

براین اساس مفسران، پیام آیه را وسعت یافتن وجود انسان دانسته‌اند.

۱. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

۲- انفاق و صدقات خود را باطل نکنید.

به این مطلب در آیه ۲۶۴ اشاره شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند.

برخی کارها باعث می‌شود که صدقات و انفاق بی‌ارزش شود که از جمله آن کارها منت نهادن بر سر نیازمند، آزدن شخص محتاج و به قصد خودنمایی به دیگران کمک کردن (ریا کردن) است.

۳. از حلال و بهترین‌های خود انفاق کنید.

خداوند متعال در آیه ۲۶۷ می‌فرماید: اولاً انفاق باید از مال حلالی باشد که انسان با زحمت به دست می‌آورد و ثانیاً از بهترین بخش اموال او باشد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ»

ای اهل ایمان! از چیزهای پاک و نیکو که به دست آورده‌اید انفاق کنید.

۴. شیطان با ترساندن از فقر، انسان را از انفاق باز می‌دارد.

بر اساس آیه ۲۶۸ یکی از دلایل ترک انفاق از سوی انسان‌ها این است که شیطان، آنها را از فقر و تنگدستی می‌ترساند؛ ولی در مقابل، خداوند متعال با وعده مغفرت و فضل خود، مؤمنین را به انفاق کردن دعوت می‌نماید:

«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

شیطان، شما را [به هنگام انفاق] از تهیدستی ترسانده شما را به کار زشت [مانند خودداری از زکات و صدقات] امر می‌کند و [در مقابل،] خدا شما را از سوی خود وعده آمرزش و فزونی رزق می‌دهد و خدا بسیار عطا کننده و داناست.

۵. انفاق پنهانی یا آشکارا

در آیه ۲۷۱ این موضوع مطرح است که انفاق اگر چه پنهانی باشد بهتر است؛ ولی اگر به صورت آشکار هم انجام شود باز کاری ارزشمند است؛ زیرا موجب تشویق دیگران به دستگیری از نیازمندان می‌شود:

«إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

اگر صدقه‌ها را آشکارا دهید نیکوست و اگر آن را پنهان دارید و به بینوایان دهید برای شما بهتر است و برخی از گناهان‌تان را از شما می‌زداید و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

۶. چه کسانی را در دادن انفاق مقدم کنیم؟

در آیه ۲۷۳ اولیت دریافت انفاق با کسانی دانسته شده است که برای حفظ دین خود دچار برخی محرومیت‌ها شده‌اند:

«لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ»

[صدقات] برای نیازمندی است که در راه خدا [به سبب جنگ یا طلب دانش یا بیماری یا عوامل دیگر] در مضیقه و تنگنا افتاده‌اند [و برای فراهم کردن هزینه زندگی] نمی‌توانند به این سو و آن سو بروند.

در آغاز شکوفایی اسلام مسلمانانی بودند که برای حفظ دین، مجبور شدند به مدینه هجرت کنند و مشکلات فراوانی را به جان بخرند. در زمان ما نیز کسانی هستند که برای عمل به دستورات الهی، تبلیغ و گسترش دین اسلام ناچارند از برخی نعمت‌های مادی چشم‌پوشند، که در پرداخت انفاق این قشر باید مورد توجه و عنایت قرار گیرند.

موضوع دوم: نکوهش ربا و رباخواری

در آیه ۲۷۵ خداوند متعال کسانی که ربا می‌خورند را همانند شخصی که دچار بیماری صرع شده و تعادل ندارد معرفی کرده درباره‌ی ایشان می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»

کسانی که ربا می‌خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی‌خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته‌حال کرده [و تعادل روانی و عقلی‌اش را مختل ساخته] است.

افرادی که اهل رباخواری هستند از تعادل روحی محروم‌اند؛ زیرا تمام هم و غم آنان افزایش مال و ثروت خویش است و نمی‌بینند که چه بر سر کسانی آمده است که بر اثر فشار سودهای آنان متضرر شده و از لحاظ مادی در تنگنا قرار گرفته‌اند.

بی برکت بودن مال ربایی

در آیه ۲۷۶ آمده است:

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزْبِي الصَّدَقَاتِ»

خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌بخشد.

خداوند متعال در ثروت به دست آمده از ربا برکت قرار نداده است و انسان‌هایی که از این راه، ثروتشان افزایش پیدا می‌کند از این افزایش ثروت هیچ بهره‌ای نخواهند برد؛ ولی در مقابل، کسانی که اهل انفاق و صدقه باشند، خداوند دارایی آنها را چند برابر می‌کند؛ چه در این دنیا با فزونی در دارایی‌های او و چه در سرای دیگر در قالب اجر و پاداش اخروی.

در باره نکوهش ربا و رباخواری روایات فراوانی از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده است؛ مانند این روایات که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«دِرْهَمٌ رِبَاً أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً كُلُّهَا بِدَاتٍ مَحْرَمٍ»^۱

گرفتن یک درهم (رقم ناچیز) ربا از هفتاد بار (بارها) عمل منافی عفت با محارم بدتر و عقابش سخت‌تر است.

در روایتی دیگر امام باقر علیه‌السلام فرمود:

«أَخْبَثُ الْمَكَايِبِ كَسْبُ الرِّبَا»^۲

پلیدترین راه درآمد، درآمد از راه رباست.

موضوع سوم: امنیت اقتصادی

سومین موضوعی که در آیات پایانی سوره مبارکه بقره به آن اشاره شده است مسئله امنیت اقتصادی باثبات و ضبط دقیق معاملات و شاهد گرفتن در تمامی داد و ستدهای مالی است. اهمیت این موضوع به قدری است که طولانی‌ترین آیه قرآن؛ یعنی آیه ۲۸۲ سوره بقره به آن اختصاص یافته است.

پیام محوری آیات پایانی سوره بقره

گسترش انفاق در جامعه، ترک ربا و ثبت و ضبط جدید معاملات اقتصادی در جامعه اسلامی موجب می‌شود که روابط اقتصادی در جامعه به شکل مطلوبی به وجود آید.

۱ الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴، حدیث ۱.

۲ همان، ص ۱۴۷، حدیث ۱۲.

بخش دوم: آیات سوره آل عمران با مصون ساختن و بیمه کردن جامعه در برابر توطئه فرهنگی دشمنان

سوره آل عمران از آغاز تا آیه ۹۲ این سوره، بخش پایانی جزء سوم را تشکیل می‌دهد.

اهمیت کتاب‌های آسمانی

خداوند در آیات اول تا ششم این سوره به اهمیت کتاب‌های آسمانی که مایه هدایت انسان است اشاره می‌فرماید و از قرآن با عنوان فرقان یاد کرده و آن را معیار تشخیص حق از باطل معرفی می‌کند.

سه نوع هجمه فرهنگی به کبان دین و دین‌داران

از آیه ۷ تا پایان جزء سوم، خداوند متعال به سه نوع هجمه فرهنگی علیه دین حق اشاره می‌کند:

تهاجم فرهنگی منافقین

منافقین و کسانی که به ظاهر اسلام را پذیرفته‌اند، انواع تهاجم‌ها را به سمت جامعه اسلامی سرازیر می‌کنند. آنان با دستاویز قراردادن برخی از آیات قرآن کریم که معانی آن ممکن است برای عموم مردم مشتبه و مبهم باشد به دنبال فتنه‌جویی در جامعه اسلامی هستند. آنها با شبهه افکنی و ایجاد شکاف میان صفوف یکپارچه مسلمانان در تلاش‌اند تا اتحاد و انسجام و در نتیجه قدرت آنها را نابود کنند. قرآن کریم این دسته را مورد ملامت قرار داده و راه حل این مشکل را پناه بردن به راسخون علم که بر اساس روایات، همان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند، دانسته است.^۱

تهاجم فرهنگی کفار

خداوند در آیات ۱۰ تا ۱۸ این سوره به توطئه فرهنگی کفار اشاره می‌کند. تنها برگ برنده کفار، زرق و برق دنیاست. آنان می‌خواهند با تجملات و تشریفات دنیوی مؤمنین را تسلیم خودشان کنند؛ ولی قرآن کریم به مؤمنین یادآوری می‌کند که کافران نمی‌توانند با تکیه به مال، فرزند، قبیله و حزب‌شان در برابر قدرت خداوند پیروز شوند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً﴾^۲

بی‌تردید اموال و فرزندان کافران هرگز چیزی از [عذاب] خدا را از آنان برطرف نمی‌کند و اینان‌اند که آتشگیره (وسیله افروزش) آتش عذاب الهی هستند.

در ادامه خداوند متعال به نمونه‌هایی از شکست کفار در طول تاریخ اشاره می‌کند.^۳ به این نکته نیز

۱. آل عمران: ۷.

۲. آل عمران: ۱۰.

۳. آل عمران: ۱۱-۱۳.

اشاره می‌کند که آنچه نزد خداوند برای مؤمنین در نظر گرفته شده است به مراتب بهتر از آن چیزی است که در اختیار کفار است.^۱

تہاجم فرهنگی اہل کتاب

در بخش سوم از این بخش که از آیه ۳۳ تا پایان جزء سوم ادامه دارد، خداوند متعال به توطئه فرهنگی اہل کتاب اشاره می‌کند. آنها به این دلیل کہ عیسی علیہ السلام پدری نداشت مدعی بودند کہ او پسر خداست همان‌گونه کہ امروز برخی مسیحیان نیز بر این اعتقاد پافشاری می‌کنند. قرآن کریم برای ابطال این پندار از آیه ۳۳ به بعد با بیان اینکه پیامبران الہی علیہم السلام، بندگان برگزیده خداوند هستند، شروع به مباحثه و مناظره با اہل کتاب می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

در آیات بعدی خداوند به ماجرای تولد حضرت مریم علیہا السلام و ولادت حضرت عیسی علیہ السلام اشاره می‌کند و به اہل کتاب متذکر می‌شود کہ عیسی علیہ السلام پسر مریم علیہا السلام است و مریم علیہا السلام دختر یکی از بندگان خداست و تمام آنها مخلوق خداوند یکتا هستند پس چطور عیسی علیہ السلام را خدا تلقی می‌کنید؟

مباہله، سندی جاودان بر حقانیت اسلام در برابر دیگر مدعیان حق

در آیه ۶۱ سخن از مباہله به میان آمده است:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ

نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ»

پس هر کس با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسران مان را و شما پسران تان را، و ما زنان مان را و شما زنان تان را، و ما نفوس مان (کسانی که به منزله جان ما هستند) را و شما نفوس تان (کسانی را که به منزله جان شما هستند) را دعوت کنیم. سپس یکدیگر را نفرین نماییم؛ پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برای مقابله با اہل کتاب آنها را به مباہله دعوت کرد. در این ماجرا پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم امیرالمؤمنین علی علیہ السلام را به عنوان جان خود و امام حسن و امام حسین علیہم السلام را به عنوان فرزندان خود و حضرت فاطمه زهرا علیہا السلام را به عنوان زنان خود در محل مباہله با مسیحیان نجران حاضر کرد ولی

مسیحیان با دیدن این صحنه از مبالغه صرف نظر کردند.^۱

پیام محوری این بخش از آیات سوره آل عمران

پیام مجموعه آیات سوره آل عمران این است که باید مراقب توطئه‌های فرهنگی که از ناحیه منافقان، کفار و اهل کتاب باشیم و فریب شبهات و حيله‌های آنان را نخوریم و با بصیرت کامل از دین مبین اسلام دفاع و پیروی کنیم.

۱. تفسیر السمعانی، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۴.